

## تبیین ایده‌پردازی خودکشی از دیدگاه نظریه فشار عمومی

دکتر اکبر علیوردی‌نیا<sup>۱</sup> و ندا یوسفی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۴/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۰

### چکیده:

امروزه خودکشی از جدی‌ترین و پرخطرترین آسیب‌های اجتماعی است که شاهد روند رو به رشد آن در میان نوجوانان و جوانان هستیم. با افزایش میزان این آسیب در میان قشر جوان جامعه ضرورت پژوهش و راهکارهای جدی جهت پیشگیری از آن بطور جدی احساس می‌شود. بر این اساس، هدف اصلی از تحقیق حاضر تبیین ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بوده است. به همین منظور، از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جمعیت تحقیق پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران تشکیل داده‌اند که در مجموع تعداد ۴۳۸ نفر از این دانشجویان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بین دختران و پسران در ایده‌پردازی خودکشی تفاوت معناداری وجود دارد و پسران نسبت به دختران میزان بیشتری از ایده‌پردازی خودکشی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند؛ همچنین حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی و رفتارهای انحرافی با متغیر وابسته (ایده‌پردازی خودکشی) رابطه‌ی مثبت و معناداری داشته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه نیز نشان می‌دهد که متغیرهای حالات عاطفی منفی و حذف محرک مثبت به ترتیب از بیشترین و کمترین قدرت پیش‌بینی‌کننده‌گی ایده‌پردازی خودکشی برخوردار بودند.

**مفاهیم کلیدی:** ایده‌پردازی خودکشی، حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی

<sup>۱</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول) aliverdinia@umz.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه مازندران nedausefi68@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

خودکشی به معنای نابودکردن و از بین بردن خود، پدیده‌ای است که سالیان دراز از روابط عشیره‌ای و سنتی تا روابط پیچیده‌ی شهرهای امروزی، گریبان بشر را گرفته است و در فراز و نشیب تحولات اجتماعی قلب و روح خانواده‌ها و اجتماع را آزرده است. اما در دنیای جدید خودکشی جاذبه‌ای استثنایی دارد زیرا هیچ چیز برای فرد از این فردی‌تر نیست که وی با دست خود به حیات خویش پایان دهد (معدفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۴). مطالعات مربوط به خودکشی سه پدیده‌ی مهم را بررسی می‌کند که شامل ایده‌پردازی خودکشی، اقدام به خودکشی و خودکشی کامل می‌باشد (مارسنکو، فیشمن و فریدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). در این طیف، کسانی که فکر خودکشی را تجربه می‌کنند و یا در معرض حرکت یا اقدام به خودکشی قرار می‌گیرند افرادی هستند که مستعد خودکشی می‌باشند، بنابراین آنها بیشتر در معرض خطر خودکشی کامل قرار می‌گیرند (آرنیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۳).

گذر از فکر خودکشی به نقشه کشیدن در ۳۲ درصد افراد (دارای فکر خودکشی) و گذر از نقشه خودکشی به اقدام در ۷۲ درصد افراد (دارای نقشه‌ی خودکشی) صورت می‌گیرد. در نتیجه ۲۴ درصد افرادی که فکر خودکشی را گزارش می‌کنند، در نهایت به سمت اقدام می‌روند (همتی و همکاران، ۱۳۸۳: ۷۹). میزان اقدام به خودکشی ۸ تا ۱۰ برابر مرگ ناشی از خودکشی است، همچنین احتمال خودکشی تا یک سال پس از اقدام به خودکشی، صد برابر بیشتر از میزان خودکشی در جمعیت کلی است. از سوی دیگر حدود دو سوم جمعیت کلی، پیش از مرگ، دست کم یک بار درباره‌ی خودکشی اندیشه‌پردازی کرده‌اند (حاجبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۷). علاوه بر این، تحقیقات نیز نشان داده‌اند که سابقه‌ی گذشته از اقدام به خودکشی، بهترین شاخص برای اقدام به خودکشی و خودکشی کامل در آینده است (اسپوسیتو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین، افکار خودکشی خود یک عامل خطر برای خودکشی محسوب می‌شود (گرولگر، توموری و کاکمور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و شناسایی افراد دارای افکار خودکشی بعنوان یک عامل پیش‌بینی کننده مهم، می‌تواند زمینه را برای جلوگیری از انجام خودکشی فراهم نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهند که خودکشی در میان گروه‌های سنی نرخ‌های متفاوتی دارد. به طوری که بر اساس آمارها و پژوهش‌های موجود در خارج از کشور، سومین علت عمده‌ی مرگ در گروه سنی ۲۴-

<sup>1</sup> Marcenko, Fishman & Friedman

<sup>2</sup> Arnette

<sup>3</sup> Esposito

<sup>4</sup> Groleger, Tomori & Kocmur

۱۵ سال (هویرت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ اندرسون<sup>۲</sup> و اسمیت، ۲۰۰۳) و دومین علت عمده‌ی مرگ در میان دانشجویان است (شوارتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، ۲۰۰۷؛ ونگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱؛ محمدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). طبق مطالعه‌ای که در سال (۲۰۰۱)، در کشور ایالات متحده صورت گرفت مشخص شد که ۹/۵ درصد از دانشجویان کالج در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ به صورت جدی به خودکشی فکر می‌کنند و ۱/۵ درصد از آنها نیز به خودکشی اقدام کردند (کیسج<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). طبق مطالعات صورت گرفته در ایران نیز نرخ خودکشی به خصوص در میان جوانان و دانشجویان در سال‌های اخیر رو به افزایش است. مطابق با پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۸۷)، که در میان سه دانشگاه از شهر اصفهان انجام شد حدود ۳۱ نفر از دانشجویان هر سه دانشگاه (۱۰/۳۳ درصد) دارای افکار خودکشی بودند (موسوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۵).

بر همین اساس پدیده‌ی خودکشی از موضوعات دارای اولویت در گروه سنی جوان جامعه و خصوصاً دانشجویان که شرایط ویژه‌ای دارند، می‌باشد. دانشجویان به دلایل شرایط سنی خاص و موقعیت خاص اجتماعی در معرض فشارهای فراوان می‌باشند (آدریانی، ۱۳۸۶: ۳۲). عواملی همچون: بالا بودن مجرد در بین آنها، دوری از خانواده، جدا شدن از متعلقات و وابستگی‌های چندین ساله، زندگی خوابگاهی، رویارویی با مشکلات اقتصادی، مشکلات درسی و ... را می‌توان از جمله منابعی برای فشار دانست که بر آنها اثرات منفی داشته و در نتیجه آنها را را به عنوان گروه‌های در معرض خطر افکار خودکشی قرار می‌دهد. با توجه به اینکه این گروه، نیروی انسانی و سازندگان فردای کشور هستند، از این رو سلامت روانی آنها اهمیت زیادی برای جامعه دارد و هر گونه عدم آشنایی با این مسائل ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیر عادی خطرناکی شود که می‌تواند دامن‌گیر جامعه هم گردد. وجود افکار خودکشی در میان آنها افت تحصیلی و حتی ترک تحصیل را به دنبال خواهد داشت که این مسئله باعث هدر رفتن منابع مادی، بودجه‌ی دانشگاه و نیروی حرفه‌ای کار، اتلاف وقت دانشجویان و احساس ناامیدی و یأس در آنها می‌شود (محمدی‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۴)؛ لذا، شناخت همه‌ی جنبه‌ی این

---

<sup>1</sup> Hoyert

<sup>2</sup> Anderson

<sup>3</sup> Schwartz

<sup>4</sup> Wong

<sup>5</sup> Kisch

پدیده در میان دانشجویان بعنوان قشر جوان جامعه در جهت اتخاذ رویکردهای پیش‌گیرانه، ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق حاضر که به دنبال تبیین ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران می‌باشد عبارت است از این که: آیا نظریه فشار عمومی اگنیو می‌تواند ایده‌پردازی خودکشی را در میان دانشجویان دختر و پسر این دانشگاه تبیین کند؟

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

با توجه به بررسی‌های انجام شده در ایران و خارج از کشور در مورد خودکشی و مسائل مربوط به آن تحقیقات متعددی صورت گرفته است، اما با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور می‌توان گفت محدود تحقیقاتی در زمینه‌ی ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان از منظر جامعه‌شناختی این پدیده را مورد بررسی قرار دادند.

در پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، محققان با استفاده از نظریه‌ی آنومی دورکیم و مرتن به تبیین مسئله‌ی خودکشی در میان دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد که احساس آنومی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی با ایده‌پردازی در مورد خودکشی رابطه دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز، نشان داد که احساس آنومی بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد؛ همچنین مشخص شد که بین طبقه‌ی اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و احساس آنومی در آن‌ها رابطه وجود دارد. بطور کلی نتایج این تحقیق کارآمدی نظریه‌ی آنومی دورکیم و مرتن را در تبیین مسئله‌ی خودکشی نشان دادند، بدین شرح که پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، می‌تواند فرد را مستعد بروز احساس آنومی نموده و این احساس نیز می‌تواند به خودکشی و سایر آسیب‌های اجتماعی بینجامد.

علاوه بر این، علی‌وردی‌نیا و یوسفی (۱۳۹۳) نیز نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو را در رابطه با تمایل به خودکشی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این است که فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای و حذف محرک مثبت بعنوان ابعادی از نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو با تمایل به خودکشی دانشجویان رابطه‌ی مستقیم و معناداری داشته است. بر اساس بررسی آنها، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی تمایل به خودکشی، حذف محرک

مثبت و پس از آن فشار منزلتی و رابطه‌ای بوده‌اند (علی‌وردی‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۹۹).

همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که اغلب تحقیقات انجام شده در داخل کشور به بررسی ایده‌پردازی خودکشی به لحاظ میزان شیوع این پدیده و یا فراوانی نسبی آن پرداختند و متأسفانه در صورت بررسی عوامل مؤثر بر آن، عوامل فردی و بیولوژیک را بعنوان عوامل زمینه‌ساز در ایده‌پردازی مشخص کردند. بعنوان مثال در این تحقیقات غالباً شاخصه‌های فردی (جنس، تأهل، محل سکونت و ...) یا شاخصه‌های روان‌شناختی (اختلالات شخصیتی، اضطراب، سلامت روانی) بعنوان عوامل زمینه‌ساز برای بروز ایده‌پردازی مورد بررسی قرار گرفتند (موسوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۵؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۱-۸۳)، که این خود می‌تواند از مصادیق مدیکالیزه شدن تحقیقات اجتماعی باشد.

مدیکالیزه شدن فرآیندی است که در آن مشکلات غیر پزشکی به نوعی تعریف می‌شود و به گونه‌ای با آن برخورد می‌شود که گویی مسأله‌ای پزشکی است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹)؛ همچنین مشخص شد جمعیت آماری اغلب مطالعات انجام شده در این زمینه نیز از دانشجویان پزشکی بودند (خیرخواه و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱-۸۳).

فقدان چهارچوب نظری و ضعف‌های روش‌شناختی از مصادیق بارز بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور در زمینه‌ی ایده‌پردازی خودکشی می‌باشد. به طوریکه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده داخلی در سطح توصیفی بوده و از حد همبستگی‌های آماری فراتر نرفته است. از این‌رو پرداختن به این مسئله با یک چهارچوب نظری مناسب در این زمینه می‌تواند کارساز باشد.

در حالیکه در خارج از کشور در رابطه با خودکشی و مسائل مربوط به آن تحقیقات زیادی صورت گرفته، زیرا به دنبال روند مدرنیزاسیون و صنعتی شدن فزاینده کشورهای غربی میزان خودکشی در کشورهای غربی روند رو به تزایدی داشته است (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۴)، اما تنها تعداد اندکی از این پژوهش‌ها به بررسی جامعه‌شناختی ایده‌پردازی آن هم در میان دانشجویان پرداخته‌اند؛ همچنین برخلاف تحقیقات داخلی بررسی‌ها حاکی از آن است که تعداد انگشت‌شماری از تحقیقات خارجی نیز به بررسی ایده‌پردازی خودکشی با استفاده از نظریه فشار عمومی اگنیو پرداخته‌اند. از مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات انجام شده در خارج از کشور که می‌توان به آن اشاره کرد این است که

انواع فشار، قومیت و اعتماد به نفس منفی، تأثیر معناداری بر روی ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه دارند. حالات عاطفی منفی و خصوصاً متغیر افسردگی نیز در رابطه‌ی بین ایده‌پردازی و سایر متغیرهای مستقل نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند؛ همچنین مشخص شد جمعیت تحقیق هیچ کدام از آن تحقیقاتی که با نظریه‌ی اگنیو به بررسی ایده‌پردازی خودکشی پرداختند دانشجویان دانشگاه نبودند. در ادامه به برخی از تحقیقات خارجی انجام شده به اختصار اشاره می‌شود.

#### ب) تحقیقات خارجی

کونیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، پژوهشی را با عنوان "آزمون مدلی از ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان" انجام داده است. در این پژوهش چندین عامل پرخطر از قبیل: رویدادهای منفی زندگی، ناامیدی و علائم افسردگی که عمدتاً عقیده بر آن است که سبب تسریع ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت. جمعیت آماری این پژوهش را ۳۷۰ نفر از دانشجویان مقطع لیسانس رشته‌ی روانشناسی در دانشگاهی در شمال ایالات متحده تشکیل دادند که از این تعداد ۳۴۵ نفر بعنوان نمونه برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی آن بود که گر چه علائم افسردگی و ناامیدی به صورت مستقیم بر ایده‌پردازی خودکشی تأثیرگذار بودند، رویدادهای منفی زندگی به صورت غیر مستقیم و به واسطه‌ی ناامیدی و علائم افسردگی بر آن تأثیر داشتند؛ همچنین مشخص شد علائم افسردگی به صورت قابل توجهی تأثیر قوی‌تری بر ایده‌پردازی خودکشی نسبت به ناامیدی دارند، به طوریکه ناامیدی به صورت یک متغیر میانجی جزئی و علام افسردگی به صورت یک متغیر میانجی کامل در پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی عمل می‌کنند.

هیرسچ و همکاران (۲۰۰۷)، پژوهشی را با عنوان "خوش‌بینی<sup>۲</sup> و ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان جوان کالج" انجام داده‌اند. نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۲۸۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی از یک دانشگاه غربی بزرگ و از یک کالج شرقی روستایی در ایالات متحده بودند که میانگین سنی آنها ۲۱/۴ و ۶۵ درصدشان (۱۸۵ نفر) نیز زن بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده که از طریق آن مقیاس افسردگی، ناامیدی و ایده‌پردازی خودکشی یک و همچنین یک آزمون تجدیدنظر

<sup>۱</sup> Konick

<sup>۲</sup> optimism

شده از گرایش به زندگی برای خوش‌بینی مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که متغیر خوش‌بینی، حتی پس از کنترل متغیرهای سن، جنس، علائم افسردگی و ناامیدی دارای ارتباطی معکوس با ایده‌پردازی خودکشی است و به طور کلی نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌کنند که خوش‌بینی یک عامل حمایتی مهم علیه ایده‌پردازی خودکشی در میان جوانان و دانشجویان می‌باشد.

تحقیقی دیگر توسط دیرکز (۲۰۰۷)، تحت عنوان "ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه<sup>۱</sup> در بین نوجوانان بدر رفتار: کاربرد نظریه‌ی فشار" صورت گرفته است. هدف از انجام این مطالعه، آزمون تجربی تئوری فشار عمومی اگنیو برای تبیین ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه در بین نوجوانان بدر رفتار بود. بر این اساس، از تئوری فشار و نتایج تحقیقات در مورد انواع خودکشی در بین نوجوانان، برای تبیین اینکه چرا بعضی از نوجوانانی که بد رفتار بودند، محتمل‌ترند که نسبت به سایر نوجوانانی هم که بدر رفتار هستند، ایده‌پردازی خودکشی داشته باشند، استفاده شده بود. به منظور آزمون دسته‌ای از فرضیات استخراج شده از تئوری فشار از داده‌های پیمایش ملی رفاه کودک و نوجوان در سال (۲۰۰۴)، در ایالات متحده استفاده شد که نمونه‌ی پژوهش شامل ۵۷۲ نوجوان بدر رفتار در گروه سنی ۱۵-۱۱ سال بودند. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که شاخص‌های فشار منزلی و رابطه‌ای (پیشرفت تحصیلی<sup>۲</sup> و ارتباط با مراقب<sup>۳</sup>)، قومیت و اعتماد به نفس منفی، تأثیر معناداری بر روی ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه دارند؛ همچنین، یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که افسردگی تأثیر معناداری بر ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه دارد و در ارتباط بین دو متغیر پیشرفت تحصیلی و رابطه با همالان با ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه بعنوان یک متغیر واسطه‌ای عمل می‌کند. جنسیت، نوع و شدت بدر رفتاری و مصرف مواد نیز ارتباط ضعیفی با ایده‌پردازی خودکشی‌گرایانه داشتند.

های و همکاران (۲۰۱۰)، تحقیقی با عنوان "قربانی تبهکاری شدن و خودآزاری نوجوانان: آزمون فرضیات تئوری فشار عمومی" انجام دادند. این پژوهش با طرح نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو، سه فرضیه را در مورد اثرات قربانی تبهکاری شدن بر پیش‌بینی خودآزاری و ایده‌پردازی خودکشی مورد آزمون قرار داد. به منظور آزمون این دسته از فرضیات تئوری فشار، از یک نمونه‌ی ۴۲۶ نفری از دانش‌آموزان ۱۵ ساله در یک حومه‌ی

<sup>1</sup> suicidal ideation

<sup>2</sup> academic achievement

<sup>3</sup> relationship with caregiver

روستایی در منطقه‌ی جنوب شرقی ایالات متحده استفاده شد. نتایج تحقیق حاکی از این است که قربانی تبه‌کاری شدن به صورت مثبت و معناداری با خود آزاری و ایده‌پردازی درباره‌ی خودکشی در ارتباط بود. همچنین یافته‌ها نشان دادند که در ارتباط بین خودآزاری و قربانی تبه‌کاری شدن، حالات عاطفی منفی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند. مهم‌ترین عاملی که اثر قربانی شدن بر خود آزاری را کاهش می‌داد، حضور والدین مقتدر و نیز خود کنترلی بالا بود. نتایج تحقیق این بخش از تئوری عمومی فشار را تأیید می‌کند که، مورد تهدید قرار گرفتن از جانب همالان، با پرخاشگری علیه خود نیز همراه می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق مزبور وقتی این دو متغیر، یعنی (والدین مقتدر و خود کنترلی بالا) حضور داشت، میزان خودآزاری و ایده‌پردازی درباره خودکشی کاهش می‌یافت.

### چهارچوب نظری پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ نظری از خانواده‌ی نظریه‌های ساختاری و مبتنی بر نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو است که اجتماع را مسئول کجروی‌های می‌داند. زیرا نقطه‌ی شروع نظریه‌ی فشار، این تصور است که جرم اصولاً پدیده‌ای اجتماعی است (وایت و هینز، ۱۳۸۶: ۱۴۱). نظریه‌های فشار از جمله نظریه‌های ساختاری هستند که به دلیل داشتن محدودیت‌هایی در معرض انتقاد شدید قرار گرفتند. اگنیو به منظور حمایت از این نظریه و برای پاسخ به انتقادات، نظریه‌ی مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داده و دوباره تدوین کرد. به این صورت که وی با معرفی نظریه فشار نشان داد که بسیاری از نظریات موجود در جامعه، که در دهه‌ی ۱۹۳۰ وجود داشته‌اند، حتی امروز هم دارای کاربرد می‌باشند (سوت‌هیل و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۷۹).

او چهار روش را به منظور احیای مجدد نظریه‌ی فشار گسترش داده است که عبارتند

از:

- ۱- درحالی‌که تئوری‌های قبلی، فشار را بعنوان یک پدیده‌ی صرفاً اقتصادی برای آرزوهای تحقق نیافته‌ی منزلت و یا موفقیت‌های مالی طبقه متوسط در نظر می‌گرفتند، اگنیو به طور گسترده‌تر فشار را بعنوان یک پدیده‌ی روانی - اجتماعی که شامل منابع متعددی از آرزوهای ناامیدکننده است، در نظر می‌گیرد.
- ۲- اگنیو نشان می‌دهد که فشار نه تنها از آرزوهای تحقق نیافته، بلکه همچنین از انتظارات تحقق نیافته، بی‌عدالتی ادراک شده، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت و اعمال محرک‌های منفی نیز ناشی می‌شود.



۳- نظریه‌ی فشار عمومی یکپارچه است. به اعتقاد اگنیو هنگامی که فشار موجب احساسات منفی و تحت این شرایط منجر به حمایت اجتماعی پایین، مهارت‌های مقابله‌ای محدود، ارتباط زیاد با همالان مجرم و کنترل اجتماعی پایین می‌گردد، احتمال بیشتری دارد که جرم را ترویج دهد.

۴- نظریه‌ی فشار عمومی اظهار می‌کند که فشارهای خاص مثل فشارهایی که غیر عادلانه هستند و آن دسته از فشارهایی که انگیزه‌ای برای راهبردهای مقابله‌ای مجرمانه ایجاد می‌کنند، احتمال بیشتری دارند که جرم را ترویج دهند (ربلون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۸-۴۹).

مطابق دیدگاه اگنیو به طور بالقوه سه منبع برای فشار وجود دارد. ۱- فشار در اثر عدم موفقیت در دستیابی به اهداف ارزشمند ایجاد می‌شود؛ ۲- فشار ممکن است نتیجه حذف محرکی باشد که برای فرد ارزشمند است؛ ۳- فشار بعنوان تحمیل محرک منفی؛ فشار ممکن است نتیجه‌ی تحمیل محرک‌های منفی یا زیان‌آور نیز باشد (علیوردی‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۷). کنش‌های متقابل اجتماعی عذاب‌آوری از قبیل کودک‌آزاری و بی‌توجهی نسبت به کودکان، تعدی جنائی، تنبیه جسمانی، تضاد در خانواده و عدم موفقیت تحصیلی و برخورد با وقایع تنش‌زا در زندگی که دامنه‌ی آن‌ها در نوسان است، در این مقوله قرار می‌گیرد (سیگل و سینا، ۱۹۹۷: ۲۸).

در نظریه‌ی فشار عمومی رابطه‌ی بین فشار و جرم، نه به صورت مستقیم، بلکه به واسطه‌گری احساسات منفی و به صورت غیر مستقیم می‌باشد (اسواگار<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۲۰). در حالیکه آزمون‌های ابتدایی از نظریه‌ی فشار عمومی بر روابط بین فشار و جرم تأکید داشتند، تحقیقات بعدی این پیشگویی را که فشار از طریق تولید احساسات منفی ممکن است جرم را گسترش و سپس جرم را بعنوان یک راهبرد مقابله‌ای ترویج دهد، مورد بررسی قرار دادند (ربلون و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۲). هر یک از انواع فشارهای توصیف شده در بالا، احتمال تجربه‌ی احساسات منفی در افراد را افزایش خواهند داد. این احساسات منفی شامل دامنه‌ی وسیعی از احساسات از قبیل خشم، سرخوردگی، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و ترس می‌باشند (کارسن، ۲۰۰۷: ۱۲). از میان این احساسات، برجسته‌ترین احساس واسطه‌ای در ارتباط بین فشار و بزهکاری، خشم است. خشم از آن جهت بعنوان یک احساس کلیدی است چون: احساس آسیب‌دیدگی و صدمه دیدن را افزایش می‌دهد،

<sup>۱</sup> Rebellon

<sup>۲</sup> Swagar

احساس تمایلی در فرد برای انتقام یا تلافی ایجاد می‌کند، فرد را به عمل وا داشته و قدرت عوامل بازدارنده را پایین می‌آورد (گالوپ، ۲۰۰۶: ۱۲). نقطه‌ی قوت نظریه‌ی فشار عمومی، به کفایت فرضیه‌های واسطه‌ای متکی است. معمولاً اعتقاد بر این است که خشم در پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه مثل جنگ و نزاع، نسبت به رفتارهای غیر پرخاشگرانه مثل مصرف مواد و برخی از جرائم مبتنی بر دارائی محتمل‌تر است (فرانسیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۳-۲۲).

### انواع راهبردهای مقابله‌ای در نظریه فشار عمومی اگنیو

به اعتقاد اگنیو اغلب افراد تمایل دارند تا به شیوه‌های مرسوم با فشار مقابله کنند. وی مدعی است، در حالیکه برخی از افراد با فشار و احساسات منفی به شیوه‌ی مجرمانه مقابله می‌کنند، اغلب افراد به شیوه‌های غیر مجرمانه با آن مقابله می‌کنند (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۹)؛ در واقع راهبردهای مقابله‌ای مجرمانه، بعنوان پاسخی برای فشار، هنجار نیست اما زمانی که افراد فاقد توانایی مقابله به شیوه‌ی مشروع باشند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (مسی گیورن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۹). در تلاش برای شناسایی دلایل اینکه چرا برخی افراد به جای روش‌های مرسوم به شیوه‌ی مجرمانه و بزهکارانه با فشار مقابله می‌کنند، اگنیو اظهار می‌کند که عواملی از قبیل نوع فشار تجربه شده و ویژگی‌های افراد و محیطی که آنها در آن اقامت داشتند می‌تواند مهم‌ترین عوامل در تعیین نوع راهبردهایی باشد که یک شخص در آن درگیر می‌شود. این ویژگی‌ها شامل منابع و مهارت‌های مقابله‌ای، میزان حمایت مرسوم، سطح کنترل اجتماعی، ارتباط با دوستان مجرم و حوزه‌ای است که اشخاص خودشان را در موقعیتی می‌بینند که هزینه‌های جرم در آن پایین و فواید آن بالاست (برگرن، ۲۰۱۰: ۲۱-۱۹).

اولین راهبرد، راهبرد مقابله‌ی شناختی است که شامل تفسیر دوباره‌ی فشار است و افراد را قادر می‌سازد محرک‌های تنش را به شیوه‌های مختلف توجیه و تفسیر کنند (اگنیو، ۱۹۹۲: ۶۶). این نوع از راهبرد مقابله‌ای خود به سه گروه در زیر تقسیم می‌شود که اولین نوع آن عبارت است از به حداقل رساندن اهمیت فشار از طریق تفسیر مجدد آن (گالوپ، ۲۰۰۶: ۱۲). دومین نوع راهبرد شناختی عبارت است از به حداکثر رساندن پیامدهای مثبت و یا به حداقل رساندن پیامدهای منفی یک حادثه از طریق کاهش اهداف

<sup>1</sup> Francis

<sup>2</sup> McGivern

اشخاص. سومین راهبرد شناختی پذیرفتن مسئولیت بخاطر شرایط است. هنگامی که یک شخص مسئولیتی را می‌پذیرد، بیش از خشم، بیشتر محتمل است که دچار احساس گناه و مقصر دانستن خود شود. در اینجا، فشار ناشی از شرایط نامطلوب، توسط افراد به صورت مطلوب دیده می‌شود (همان: ۱۵-۱۴).

دومین دسته از راهبردهای مقابله‌ای که توسط اگنیو مورد شناسایی قرار گرفت استراتژی مقابله‌ای احساسی است. این راهبرد، هدایت اثرات منفی تجربه شده توسط فرد در تلاش برای رهایی از ناراحتی‌های روانشناختی رنج آور را مدنظر قرار می‌دهد. مثال‌هایی از این نوع عبارتند از: استفاده از الکل یا سایر مواد مخدر، ورزش جسمانی، اختلال در خوردن و یا رفتارهای جنسی مخاطره‌آمیز (همان: ۱۵).

در نهایت، راهبرد مقابله‌ای رفتاری دربرگیرنده‌ی اعمالی است که برای مقابله با اثرات منفی فشار به کار گرفته می‌شود. دو شکل عمده از مقابله‌ی رفتاری وجود دارند که عبارتند از: ۱- از بین بردن و یا به حداقل رساندن علت فشار؛ ۲- انتقام گرفتن از منابع فشار. مقابله‌ی رفتاری می‌تواند به صورت بزهکارانه و یا مرسوم باشد (همان). مثال‌هایی از این نوع فرار از مدرسه، پایان دادن به دوستی، درگیر شدن در طیف وسیعی از رفتارهای جنایی یا بزهکارانه را شامل می‌شود (فرانسیس، ۲۰۰۷: ۲۵). به عبارتی دیگر، نظریه‌ی فشار عمومی در جایی که رفتار منفی ممکن است وسیله‌ای برای فرار از موقعیت‌های آزارنده باشد و یا هنگامی که فرار ممکن نیست، در نتیجه از طریق احساسات بیرونی (مثل خشم) وارد عمل می‌شود، به حل مسأله یا کنار آمدن با ماهیت رفتارهای بزهکارانه یا رفتارهای مخاطره‌آمیز تأکید دارد. در این مورد، رفتارهای خودکشی‌گرا بعنوان یک رفتار نابهنجار یا بزهکارانه در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به صورت واضح رهایی برگشت‌ناپذیر از فشار و نیز احساسات منفی مرتبط با آن و همچنین یک واکنش احساس محور را در ناتوانی برای رهایی نشان دهد (والز و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۲).

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- حذف محرک مثبت موجب افزایش ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان می‌شود.
- ۲- قرار گرفتن در معرض محرک منفی موجب افزایش ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان می‌شود.
- ۳- حالات عاطفی منفی (افسردگی و خشم) موجب افزایش ایده‌پردازی دانشجویان می‌شود.

- ۴- دانشجویانی که رفتارهای انحرافی بیشتری را تجربه کردند، احتمال بیشتری دارند تا ایده‌پردازی خودکشی را نیز تجربه کنند.
- ۵- بین دختران و پسران در افکار مربوط به خودکشی تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی<sup>۱</sup> و از طرح تحقیق مقطعی<sup>۲</sup> است. جمعیت تحقیق پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر (۹۹۴۰) دانشگاه مازندران است که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۷۰ محاسبه شد. اما از آنجا که پیش‌بینی می‌شد برخی پرسشنامه‌ها ناقص تحویل داده شود یا بخشی از آنها مفقود گردد، لذا تعداد ۴۵۰ پرسشنامه توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، نهایتاً ۴۳۸ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه‌ی خود گزارشی می‌باشد. پس از تبدیل مفاهیم به معرف‌ها، برای هر یک از معرف‌ها گویه‌های مناسبی تهیه و در قالب پرسش‌نامه تدوین گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS از آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون چند گانه) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه‌ی تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار محتوا و برای تعیین پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول ۱ نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
حذف محرک مثبت	۱۰	۰/۵۹
وجود محرک منفی	۱۱	۰/۷۷
حالات عاطفی منفی	۱۷	۰/۹۰
رفتارهای انحرافی	۱۲	۰/۷۷
ایده‌پردازی خودکشی	۱۰	۰/۹۱

<sup>۱</sup> survey

<sup>۲</sup> cross-sectional

## تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

### ایده‌پردازی خودکشی

ایده‌پردازی خودکشی بعنوان افکار خود گزارش‌دهی درباره‌ی خودکشی، در دامنه‌ای از یک میل مبهم با نفوذ برای مردن تا نقشه‌ی کامل خودکشی تعریف می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۰). در این پژوهش، مجموعاً از ۱۰ گویه برای سنجش متغیر ایده‌پردازی خودکشی استفاده شده است. بعنوان مثال برای سنجش مفهوم ایده‌پردازی از گویه‌هایی مثل: من به راه‌های از بین بردن خود فکر می‌کنم؛ من به کسی گفتم که می‌خواهم خودم را بکشم؛ من فقط می‌خواهم زندگیم پایان یابد استفاده شده است. تدوین گویه‌های این متغیر بر بنای پژوهش (والاک، ۲۰۰۷) بوده است.

### حذف محرک مثبت

دومین منبع فشار، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت را در بر می‌گیرد که در قالب معرف‌هایی همچون از دست دادن دوست، مرگ یا بیماری وخیم یک دوست، انتقال به یک مدرسه‌ی جدید، طلاق یا جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار می‌تواند موجب فشار باشد (گالوپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۱). هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه‌ی مثبت را از او گرفتند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از مواد غیر مجاز دارد نتیجه‌ی آن ممکن است بزهکاری باشد (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶). مجموعاً ۱۰ گویه برای سنجش گویه حذف محرک مثبت استفاده شده و تدوین گویه‌های آن نیز بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (اگنیو، ۱۹۹۲؛ رابرتسون و همکاران، ۲۰۱۰؛ مازرول، ۱۹۹۸؛ فیوم، ۲۰۰۳؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰؛ فرانسیس، ۲۰۰۷؛ ژانگ و جانسون، ۲۰۰۳؛ کاستر و زینو، ۲۰۱۰).

### حضور محرک منفی

سومین منبع فشار، از طریق مواجهه با محرک‌های منفی یا مضر ایجاد می‌شود. محرک‌های مضر یا منفی، موقعیت‌های قدرتمندی هستند که افراد، خصوصاً جوانان، به آسانی نمی‌توانند از آن اجتناب کنند (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶). مثال‌هایی از چنین محرک‌هایی شامل؛ کودک‌آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد بین همسالان، شکست

<sup>۱</sup> Gallupe

تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۹۹). تدوین گویه‌های این مقیاس بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (وارهام، ۲۰۰۵؛ اکرمان، ۲۰۰۹؛ مون و همکاران، ۲۰۰۷).

#### حالات عاطفی منفی

رابطه‌ی بین فشار و جرم در نظریه‌ی فشار عمومی، نه به صورت مستقیم، بلکه به واسطه‌گری احساسات منفی و به صورت غیر مستقیم می‌باشد (اسواگار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۰). این احساسات منفی شامل دامنه‌ی وسیعی از احساسات از قبیل خشم، سرخوردگی، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و ترس می‌باشند (کارسن، ۲۰۰۷: ۱۲). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر حالات عاطفی منفی در این تحقیق مجموعاً از ۱۷ گویه استفاده شده است. بعنوان مثال برای سنجش افسردگی از گویه‌هایی نظیر: "احساس بی‌ارزشی و حقارت می‌کنم"، "برای انجام کارهایم انگیزه‌ای ندارم" و برای سنجش خشم از گویه‌هایی همچون: "خیلی زود خشمگین می‌شوم و رفتار غیر عاقلانه از خود نشان می‌دهم"، "هنگامی که عصبانی می‌شوم؛ فریاد می‌کشم و یا چیزها را پرتاب می‌کنم"، استفاده شده است. تدوین گویه‌های مقیاس حالات عاطفی منفی بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (پورسر، ۲۰۱۰؛ پیک، ۲۰۱۱؛ های، ۲۰۱۰؛ والاک، ۲۰۰۷؛ سیگفودوتیر، ۲۰۰۸؛ دیرکز، ۲۰۰۷؛ گالوپ، ۲۰۰۶؛ آسلتین و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰ و وق، ۲۰۱۱).

#### رفتار انحرافی

انحراف یا کجروی پیوستاری از رفتار است که هم به تخلف از قانون و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی اطلاق می‌شود. برای سنجش و اندازه‌گیری رفتار انحرافی در پژوهش حاضر مجموعاً از ۱۲ گویه استفاده شده است که شامل دامنه‌ی وسیعی از انحرافات از قبیل سیگار کشیدن، مصرف مواد و الکل، وندالیسم، تقلب و ... می‌باشد. تدوین گویه‌های این مقیاس نیز بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (مون و همکاران، ۲۰۰۷؛ علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ ویلیامز، ۲۰۰۸؛ علی‌وردی‌نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲؛ علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

<sup>۱</sup> Swagar

## یافته‌های پژوهش

جدول ۲: توزیع میزان ایده‌پردازی خودکشی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جمع		دختر		پسر		جنسیت	ایده‌پردازی خودکشی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۹۰/۴	۳۹۶	۹۱/۳	۲۶۴	۸۸/۶	۱۳۲		کم
۷/۳	۳۲	۷/۳	۲۱	۷/۴	۱۱		متوسط
۲/۳	۱۰	۱/۴	۴	۴	۶		زیاد
۱۰۰	۴۳۸	۱۰۰	۲۸۹	۱۰۰	۱۴۹		جمع کل

جدول ۲ توزیع پاسخگویان را بر حسب میزان ایده‌پردازی خودکشی نشان می‌دهد. برای رسیدن به متغیر ایده‌پردازی خودکشی، گویه‌های مختلف ایده‌پردازی را با یکدیگر ترکیب و سپس رتبه‌بندی کرده‌ایم. چنانکه از جدول مذکور برمی‌آید، ۹۰/۴ درصد جمعیت پاسخگویان افرادی بوده‌اند که میزان ایده‌پردازی آنان کم بوده است. میزان ایده‌پردازی خودکشی ۷/۳ درصد افراد را در حد متوسط و ۲/۳ درصد را در حد کم برآورد کرده‌ایم. به لحاظ تفاوت جنسیتی نیز میزان تمایل به خودکشی در بین پسران از دختران بیشتر بوده است. به طوریکه، ۸۸/۶ درصد از پسران در برابر ۹۱/۳ درصد از دختران میزان تمایل خود را در حد کم و در مقابل ۴ درصد از پسران در برابر ۱/۴ درصد از دختران میزان ایده‌پردازی خود را در حد زیاد گزارش کرده‌اند.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان بر حسب جنسیت

ردیف	گویه	شدت	پسر		دختر		جمع کل	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	من به راه‌های از بین بردن خود فکر می‌کنم	هرگز	۱۳۵	۹۰/۶	۲۷۰	۹۳/۴	۴۰۵	۹۲/۴
		گاهی اوقات	۸	۵/۴	۱۲	۴/۲	۲۰	۴/۶
		همیشه	۶	۴	۷	۲/۴	۱۳	۳
۲	من به کسی گفتم که می‌خواهم خودم را بکشم	هرگز	۱۴۲	۹۵/۳	۲۷۵	۹۵/۲	۴۱۷	۹۵/۲
		گاهی اوقات	۴	۲/۷	۱۱	۳/۸	۱۵	۳/۴
		همیشه	۳	۲	۳	۱	۶	۱/۴
۳	من معتقدم زندگی من با خودکشی پایان خواهد یافت	هرگز	۱۴۲	۹۵/۳	۲۷۵	۹۵/۲	۴۱۷	۹۵/۲
		گاهی اوقات	۴	۲/۷	۱۱	۳/۸	۱۵	۳/۴

ادامه‌ی جدول ۳

۱/۴	۶	۱	۳	۲	۳	همیشه		
۹۷	۴۲۵	۹۸/۳	۲۸۴	۹۴/۶	۱۴۱	هرگز	من تلاش کرده‌ام تا خودم را بکشم	۴
۲/۱	۹	۱	۳	۴	۶	گاهی اوقات		
۰/۹	۴	۰/۷	۲	۱/۴	۲	همیشه		
۸۰/۴	۳۵۲	۸۱	۲۳۴	۷۹/۲	۱۱۸	هرگز	من احساس می‌کنم زندگی ارزش ندارد	۵
۹/۱	۴۰	۹	۲۶	۹/۴	۱۴	گاهی اوقات		
۱۰/۵	۴۶	۱۰	۲۹	۱۱/۴	۱۷	همیشه		
۸۰/۳	۳۵۲	۹۱	۲۳۷	۷۷/۲	۱۱۵	هرگز	زندگی آنقدر بد است که من احساس ناامیدی می‌کنم	۶
۱۲/۸	۵۶	۱۲/۱	۳۵	۱۴/۱	۲۱	گاهی اوقات		
۶/۸	۳۰	۵/۹	۱۷	۸/۸	۱۳	همیشه		
۸۹	۳۹۰	۹۱/۷	۲۶۵	۸۳/۹	۱۲۵	هرگز	من فقط می‌خواهم زندگیم پایان یابد	۷
۵/۵	۲۴	۴/۵	۱۳	۷/۴	۱۱	گاهی اوقات		
۵/۵	۲۴	۳/۸	۱۱	۸/۷	۱۳	همیشه		
۹۰/۷	۳۹۷	۹۲	۲۶۶	۸۷/۹	۱۳۱	هرگز	مردن من برای همه بهتر است	۸
۴/۸	۲۱	۴/۸	۱۴	۴/۷	۷	گاهی اوقات		
۴/۵	۲۰	۳/۲	۹	۷/۴	۱۱	همیشه		
۹۲/۴	۴۰۵	۹۳/۸	۲۷۱	۸۹/۹	۱۳۴	هرگز	من احساس می‌کنم هیچ راه حلی برای مشکلاتم وجود ندارد جز اینکه زندگی من پایان یابد	۹
۴/۱	۱۸	۳/۱	۹	۶	۹	گاهی اوقات		
۳/۴	۱۵	۳/۱	۹	۴/۱	۶	همیشه		
۹۵/۷	۴۱۹	۹۶/۹	۲۸۰	۹۳/۳	۱۳۹	هرگز	من نزدیک بود به زندگیم پایان بدهم	۱۰
۳/۴	۱۵	۲/۸	۸	۴/۷	۷	گاهی اوقات		
۰/۹	۴	۰/۳	۱	۲	۳	همیشه		

جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی ایده‌پردازی خودکشی پاسخگویان را بر حسب جنسیت نشان می‌دهد. اعداد مندرج در جدول فوق حاکی از آن است که بیشترین میزان موافقت از سوی پاسخگویان نسبت به گویه من "احساس می‌کنم زندگی ارزش ندارد" ابراز شده است به طوریکه ۱۰/۵ از دانشجویان با انتخاب گزینه‌ی همیشه به آن پاسخ داده‌اند. به لحاظ جنسیتی نیز میزان موافقت دانشجویان پسر (۱۱/۴ درصد) از دانشجویان دختر (۱۰ درصد) بیشتر بوده است. همچنین ۶/۸ درصد از پاسخگویان شامل ۸/۸ درصد از



پاسخگویان پسر و ۵/۹ درصد از پاسخگویان دختر نیز موافقت خود با گویه "زندگی آنقدر بد است که من احساس ناامیدی می‌کنم" را با گزینه‌ی همیشه اعلام نمودند. بیشترین میزان مخالفت از سوی پاسخگویان نیز نسبت به گویه‌ی "من تلاش کرده‌ام تا خودم را بکشم" ابراز شده است به طوری‌که ۹۷ درصد از آنها با انتخاب گزینه‌ی هرگز نسبت به آن مخالفت نمودند و تنها ۰/۹ درصد نسبت به آن موافقت نمودند. به لحاظ تفاوت جنسیتی نیز میزان مخالفت دانشجویان دختر (۹۸/۳ درصد) نسبت به دانشجویان پسر (۹۸/۳ درصد) بیشتر بوده است.

جدول ۴: توزیع ایده‌پردازی خودکشی پاسخگویان بر حسب معدل

معدل		پایین		متوسط		بالا		جمع کل	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۶	۷۶/۶	۲۴۲	۹۱/۷	۱۱۸	۹۲/۲	۳۹۶	۹۰/۴		
۹	۱۹/۱	۱۵	۵/۷	۸	۶/۳	۳۲	۷/۳		
۲	۴/۳	۷	۲/۷	۱	۰/۸	۱۰	۲/۳		
۴۷	۱۰۰	۲۶۴	۱۰۰	۱۲۷	۱۰۰	۴۳۸	۱۰۰		

جدول ۴ وضعیت معدل و میزان ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول فوق آمده است، ۷۶/۶ درصد از دانشجویانی که معدلشان ضعیف است، میزان ایده‌پردازی خودکشی خود را در حد کم اعلام نمودند. ۱۹/۱ درصد از این افراد میزان ایده‌پردازی خود را در حد متوسط ابراز و تنها ۴/۳ درصد آنها میزان ایده‌پردازی خود را در حد زیاد دانستند. از سوی دیگر ۹۱/۷ درصد از دانشجویانی که معدلشان در سطح متوسط است، میزان ایده‌پردازی خودکشی خود را در حد کم، ۵/۷ درصدشان آن را در حد متوسط و تنها ۲/۷ درصدشان آن را در حد زیاد اعلام نمودند. و نهایتاً، از بین دانشجویانی که از معدل بالایی برخوردارند، میزان ایده‌پردازی خودکشی ۹۲/۲ درصدشان در حد کم، ۶/۳ درصدشان در حد متوسط و تنها ۰/۸ درصدشان در حد زیاد گزارش شده است. بنابراین می‌توان گفت میزان ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویانی که معدل پایین‌تری دارند، بیشتر از دانشجویانی است که از معدل بالاتری برخوردار هستند.

**جدول ۵:** آزمون تفاوت میانگین ایده‌پردازی خودکشی بر حسب جنسیت

متغیر	گروه‌ها	میانگین گروه‌ها	Std. D	آزمون <i>T</i>	Sig
جنسیت	پسر	۱۴/۲۶۱	۶/۸۰	۱/۹۶	۰/۰۵
	دختر	۱۳	۵/۴۷		

داده‌های جدول ۵ آزمون تفاوت میانگین ایده‌پردازی خودکشی را بر حسب جنسیت به نمایش گذاشته است. نگاهی به میانگین‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین ایده‌پردازی خودکشی پسران و دختران با سطح معناداری ۰/۰۵ وجود داشته است. بر این اساس، پسران نسبت به دختران میزان بیشتری از ایده‌پردازی خودکشی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند.

**جدول ۶:** ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده

متغیرهای مستقل	<i>B</i>	<i>Beta</i>	<i>T</i>	Sig
حذف محرک مثبت	۰/۲۶۶	۰/۰۷۹	۱/۹۲۲	۰/۰۵۵
حضور محرک منفی	۰/۰۱۵	۰/۱۲۱	۲/۵۶۳	۰/۰۱۱
حالات عاطفی منفی	۰/۰۷۸	۰/۴۷۹	۱۰/۵۸۹	۰/۰۰۰
رفتارهای انحرافی	۰/۱۴۵	۰/۱۵۰	۳/۵۹۴	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۳۵۵	۰/۰۲۸	۰/۶۸۸	۰/۴۹۲
خلاصه مدل	<i>R</i>		۰/۶۳۶	
	<i>R square</i>		۰/۴۰۵	
	<i>F Value</i> <sup>۱</sup>		۵۸/۷۷۹	

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (*R*) تقریباً معادل ۶۳ درصد محاسبه شده است. بر این اساس، دو متغیر مستقل (حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) به طور همزمان ۶۳ درصد با ایده‌پردازی خودکشی ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (*R*<sup>۲</sup>) نیز ۴۰ درصد محاسبه شده است. به این معنی که حدود ۴۰ درصد از تغییرات ایده‌پردازی خودکشی از طریق متغیرهای پنج‌گانه نامبرده در بالا توضیح داده می‌شود و ۶۰ درصد باقیمانده متعلق به عوامل دیگری است که خارج از این بررسی هستند. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیر حالات

<sup>۱</sup> تمامی مقادیر *F* در سطح بالای آماری ( $P=0/000$ ) معنادار بوده است.

عاطفی منفی با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی ( $Beta=0/479$ )، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی ایده‌پردازی خودکشی است. در مرتبه‌ی آخر نیز حذف محرک مثبت با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta=0/079$ ) قرار دارد که کمترین قدرت پیش‌بینی را در بین پنج متغیر مستقل موجود در مدل داراست.

### بحث و نتیجه‌گیری

خودکشی یکی از رفتارهای پر خطر در جامعه‌ی کنونی است که در زمره‌ی مسائل و آسیب‌های رایج قرار می‌گیرد و تغییر ساختاری و جوان‌تر شدن افراد جوانی که به این رفتار اقدام می‌کنند نیز بر اهمیت این مسأله افزوده است. بر این اساس هدف از تحقیق حاضر تبیین جامعه‌شناختی ایده‌پردازی خودکشی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران بوده است. بر این اساس، تحقیق حاضر اثر چندین متغیر نظری ارائه شده از نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو را در رابطه با موضوع مورد نظر مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که نظریه‌ی فشار عمومی تا حدودی در تبیین ایده‌پردازی خودکشی این دانشجویان اثربخش بوده و می‌تواند یک مدل نظری مفید برای بررسی خودکشی فراهم کند.

نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ی مستقیم و مثبت بین متغیر حذف محرک مثبت با ایده‌پردازی خودکشی است. به اعتقاد اگنیو، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت می‌تواند سبب فشار در زندگی فرد شود (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷). بعنوان مثال از دست دادن دوست پسر یا دوست دختر، مرگ یا بیماری وخیم یک دوست، انتقال به یک مدرسه‌ی جدید، طلاق یا جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار می‌تواند موجب فشار باشد (گالوپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۱). هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه‌ی مثبت را از او گرفتند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از مواد غیر مجاز دارد نتیجه‌ی آن ممکن است بزهکاری باشد (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶). متغیر حذف محرک مثبت در این پژوهش در قالب دامنه‌ی وسیعی از رویدادهای منفی زندگی همچون طلاق یا جدایی والدین، بیماری اعضای خانواده، مرگ یک دوست، مشکلات مالی خانواده و ... مطرح شد. از این‌رو مشخص شد که با افزایش میزان هر یک از این رویدادهای منفی در زندگی فرد، میزان ایده‌پردازی

<sup>۱</sup> Gallup

خودکشی نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های تحقیق حاضر بر اساس متغیر حذف محرک مثبت با تحقیق انجام شده توسط فرانسویس در سال (۲۰۰۷)، که در آن بین از دست دادن یک دیگری مهم بعنوان حذف محرک مثبت و رفتارهای خودکشانه ارتباط معناداری وجود دارد، همسو می‌باشد. همچنین، نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده توسط گروسمن و همکاران (۱۹۹۱)، که در آن بین رویدادهای منفی زندگی و اقدام به خودکشی و تحقیق انجام شده توسط ژانگ و لستر (۲۰۰۸)، که در آن بین بحران‌ها و وقایع منفی زندگی با رفتارهای خودکشانه ارتباط معناداری وجود دارد، مشابه می‌باشند. در تحقیق پرینستن و همکاران (۲۰۰۰)، نیز مشخص شد که با افزایش طلاق و جدایی والدین به عنوان حذف محرک ارزشمند مثبت میزان تمایل به خودکشی در میان نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این تحقیقات خارجی، یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و یوسفی (۱۳۹۳)، نیز همسو می‌باشد. مطابق با تحقیق مذکور تمایل به خودکشی بعنوان تابعی مثبت از حذف محرک ارزشمند مثبت می‌باشد.

یکی دیگر از فرضیه‌هایی که توانست از آزمون رد عبور نماید، حاکی از وجود رابطه‌ی مستقیم و معنادار بین حالات عاطفی منفی و ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان است. از این‌رو، به موازات افزایش حالات عاطفی منفی در زندگی افراد، میزان ایده‌پردازی خودکشی آنها نیز افزایش می‌یابد. در نظریه‌ی فشار عمومی فرض بر این است که، احساسات منفی می‌توانند رابطه‌ی بین فشار و بزهکاری را تقویت کنند. به اعتقاد اگنیو، تجربه‌ی فشار، احتمال تجربه‌ی احساسات منفی مثل خشم، ناامیدی و افسردگی که سبب ایجاد اعمال اصلاحی مثل رفتارهای ضد اجتماعی (خودکشی) و بزهکاری می‌شوند را افزایش می‌دهند (سو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۹۰). نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات انجام شده توسط (فریدمنتهال و استیفمان، ۲۰۰۴؛ لی مستر و همکاران، ۲۰۰۴؛ بیگلی و همکاران، ۱۹۹۰؛ جانسون و تومران، ۱۹۹۹؛ کافمن، ۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

همچنین فرضیه‌ای که مبنی بر وجود رابطه‌ی مستقیم و معنادار بین رفتار انحرافی و ایده‌پردازی خودکشی می‌باشد نیز مورد تأیید قرار گرفته است. داده‌های تحقیق بیانگر آن است که هر چه میزان رفتار انحرافی در نتیجه‌ی فشار افزایش یابد، ایده‌پردازی خودکشی هم افزایش و هر چه رفتار انحرافی کاهش یابد، ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان نیز کاهش می‌یابد. نمونه‌هایی از رفتارهای انحرافی که در این تحقیق مطرح شدند عبارتند از: مصرف سیگار، مصرف الکل، مصرف مواد، تقلب در امتحان و غیره. نتایج تحقیقات قبلی نیز

<sup>۱</sup> Su

در جهت تأیید یافته‌های این پژوهش می‌باشند. بعنوان مثال (سانیون و روبرتس، ۲۰۰۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی قوی بین مصرف مواد مخدر همچون کراک، کوکائین، هروئین ایده‌پردازی خودکشی در میان نوجوانان وجود دارد؛ همچنین شافر (۱۹۹۳)، نیز در تحقیق خود به رابطه بین مصرف الکل و ایده‌پردازی خودکشی پی برد. تأیید این فرضیه با پژوهش علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، نیز همسو می‌باشد که در آن رابطه‌ی مستقیم و معنی‌دار بین رفتار انحرافی و گرایش به خودکشی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج تحقیق همچنین نشانگر آن است که بین دختران و پسران در ایده‌پردازی خودکشی تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین ایده‌پردازی در پسران از دختران بالاتر است. طبق مطالعات انجام شده در زمینه‌ی خودکشی در آمریکای شمالی، اروپای غربی، استرالیا و نیوزیلند احتمال خودکشی کامل در میان مردان نسبت به زنان بیشتر بوده است (رودهام و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه براین، پژوهش انجام شده توسط بلومنتال و کوپفر (۱۹۹۰)، بیانگر آن است که اگر چه در میان زنان میزان اقدام به خودکشی به طور قابل ملاحظه‌ای از مردان بیشتر است، مردان احتمال بیشتری دارند تا در مقایسه با زنان از طریق خودکشی بمیرند. این تفاوت جنسیتی را می‌توان از طریق تمایل مردان که بیشتر ترجیح می‌دهند تا از ابزارهای کشنده مثل مرگ با اسلحه‌ی گرم استفاده کنند و تمایل زنان که کمتر از طریق روش‌های کشنده مثل خوردن قرص به خودکشی اقدام می‌کنند، تبیین نمود (بیرمن و مودی، ۲۰۰۴).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که پسران دانشجو بیشتر از دختران به خودکشی فکر می‌کنند. این یافته، با برخی مطالعات انجام شده در این زمینه همسو و با برخی دیگر در تضاد است. یافته‌های این بخش برخلاف پژوهش‌های قبلی (از قبیل لی‌مستر و همکاران، ۲۰۰۴؛ مای، ۱۹۸۷ و والز، ۲۰۰۷)، می‌باشد که در آنها نیز دختران بیشتر از پسران خودکشی غیرکشنده را گزارش کرده‌اند. از طرفی دیگر نیز، مطابق تحقیقات (استیوارت، ۲۰۰۷)، نه تنها افکار مربوط به خودکشی در پسران بیشتر از دختران است، بلکه میزان اقدام به خودکشی و خودکشی موفق نیز در پسران بالاتر از دختران است (مرکز ملی پیشگیری و کنترل آسیب‌دیدگی، ۲۰۰۶). نتایج تحقیقات داخلی همچون (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پناغی و همکاران، ۱۳۸۷؛ موسوی و ملکیان، ۱۳۸۷؛ همتی و دانش‌آموز، ۱۳۸۳)، نیز حاکی از آن است افکار خودکشی در میان دانشجویان پسر بطور معناداری از دانشجویان دختر بیشتر بوده است. به طور کلی علت تفاوت‌های مذکور را می‌توان به

فرهنگ، خصوصیات و مشکلات جوامع، حجم نمونه‌ی مورد بررسی، گزارش کمتر افکار خودکشی توسط دختران؛ تغییرات اجتماعی مرتبط با نقش‌های جنسیتی، پاسخ شدیدتر مردان نسبت به این تغییرات نسبت داد.

**فهرست منابع:**

- آدریانی، مرتضی؛ آزادی، آرمان؛ احمدی، فضل‌الله؛ واحدیان عظیمی، امیر (۱۳۸۶). "مقایسه‌ی میزان افسردگی، اضطراب، استرس و کیفیت زندگی دانشجویان پسر و دختر مقیم خوابگاه‌های دانشجویی"، پژوهش پرستاری، دوره‌ی دوم، شماره‌های ۴ و ۵.
- پناغی، لیلی؛ پیروی، حمید؛ ابوالمعصومی، فائزه زهرا؛ سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). بررسی فراوانی خودکشی دانشجویی و ارتباط آن با خصوصیات جمعیت‌شناختی در سال‌های ۸۵-۸۳ در مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره‌ی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حسین‌زاده، علی؛ هواسی، علی و حیدری، آرش (۱۳۹۰). بررسی جنبه‌های اجتماعی ایده‌پردازی خودکشی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۹)، دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی.
- حاجبی، احمد؛ احمدزاد اصل، مسعود؛ زمان، مهیار؛ ناصرخت، مرتضی؛ محمدی، نوید؛ داودی، فرناز؛ صابری زفرقندی؛ محمدباقر (۱۳۹۰). "طراحی سامانه‌ی ثبت خودکشی در کشور"، مجله‌ی روانپزشکی و روانشناسی بالینی در ایران، سال هفدهم، شماره‌ی ۲.
- سوتهیل، کیت؛ پیلو، مویرا؛ تیلور، کلر (۱۳۸۳). شناخت جرم‌شناسی، ترجمه‌ی میرروح‌الله صدیقی، تهران: دادگستر.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ ریاحی، محمداسماعیل؛ موسوی چاشمی، ملیحه (۱۳۸۶). "مطالعه‌ی جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه‌ی فشار عمومی اگنو"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۲.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ رضایی، احمد؛ پیرو، فریبرز (۱۳۹۰). "تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان نسبت به خودکشی"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی (۴۴)، شماره‌ی ۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ خاکزاد، زینب (۱۳۹۳). تبیین تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی بر اساس نظریه فشار عمومی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ۴: ۱۳۷-۹۹.
- علیوردی‌نیا، اکبر و یوسفی، ندا (۱۳۹۳). تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون نظریه فشار عمومی اگنیو، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره‌ی پیاپی (۵۴)، شماره‌ی ۲.

معیدفر، سعید و حسن پناه، حسین (۱۳۸۹). "عوامل اجتماعی مؤثر بر خودکشی جوانان استان کردستان"، مجله‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره‌ی ۳.

محمدی، سمیه؛ ایزدپناه، شهرزاد؛ فاضلی مهرآبادی، علیرضا؛ پناغی، لیلی؛ قدیری، فاطمه (۱۳۹۰). "تأثیر سبک‌های هویتی بر افکار خودکشی در دانشجویان"، مجله‌ی علوم رفتاری، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۱.

محمدی‌نیا، ندا؛ رضایی، محمدعلی؛ سمیعی‌زاده طوسی، طیبه؛ دربان، فاطمه (۱۳۹۱). "بررسی فراوانی افکار خودکشی در دانشجویان علوم پزشکی"، فصلنامه‌ی افق پرستاری، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱.

موسوی، سید غفور؛ ملکیان، آزاده؛ کیخانی، نجمه؛ کیخانی، فرشته؛ محمودی، معصومه (۱۳۸۷). "فراوانی نسبی افکار خودکشی در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان"، فصلنامه‌ی حکیم، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۳.

وایت، راب؛ فینز، فیونا (۱۳۸۶)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه‌ی علی سلیمی، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

همتی، ناصر و دانش‌آموز، بدری و پناغی، لیلا (۱۳۸۳). "فراوانی افکار خودکشی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آبدانان استان ایلام"، تازه‌های علوم شناختی، سال ۶، شماره‌ی ۱ و ۲.

Ackerman, R. Alissa (2009). Registered Sex Offenders In The Community :A Test of Agnew's General Strain Theory.( Ph.D Thesis).University of New York.

Agnew, R. (1992). "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency", *Criminology*, Vol. 30, No.1: 47-87.

Agnew, R. (1998). "The Approval of Suicide: A Social-Psychological Model", *Suicide and Life-Threatening Behavior*, Vol. 28, No. 2: 204-225.

Anderson RN. (2000). "Deaths: Leading causes", *National vital statistics Reports* Vol. 50, No.16: 1-85.

Anderson, R. N., & Smith, B. L. (2003). "Deaths: Leading causes for 2001. Hyattsville", Maryland: National Center for Health Statistics, Vol.52, No.9: 1-86.



Arnette, C. Natalie (2006). Prediction of Adolescent Suicidality: Relative Contribution of Diagnosis, Psychopathy, And Impulsivity .(Ph.D Thesis). Auburn University.

Aseltine, R, Gore, S, & Gordon, J. (2000). "Life stress, anger and anxiety, and delinquency: An empirical test of general strain theory", *Journal of Health and Social Behavior*, Vol. 41: 256-275.

Bagley, Carl, Michael Wood and H. Khumar. (1990). "Suicide and Careless Death in Young Males: Ecological Study of an Aboriginal Population in Canada. Canadian", *Journal of Community Mental Health*, Vol. 29, No.1:127-142.

Bearman, P. & Moody, J. (2004). "Suicide and friendships among American adolescents", *American Journal of Public Health*, Vol.94, No.1: 89-95.

Bergeron, Lindsey E. (2010). Female Criminality and Community Reentry: an Examination of General Strain Theory. *Criminal Justice and Political Science* (Ph.D. Thesis). Fargo, North Dakota.

Blumenthal, S., J. & Kupfer, D. J. (1990). *Suicide over the life cycle*. Washington,DC: American Psychiatric Press.

Borowsky, I.w., Ireland, M., & Resnick, M.D. (2001). "Adolescent suicide attempts: Risks and protectorsv", *Pediatrics*, Vol.10, No. 3: 485-494.

Canino, G. & Roberts, R. E. (2001). "Suicidal behavior among Latino youth", *Suicide and life- threatening behavior*, Vol. 31: 122-131.

Carson, C. Dena (2007) .Using Agnew's General Strain Theory to Explain the Relationship Between Early Victimization and Deviant Behavior .(M.A Thesis). University of South Florida.

Centers for Disease Control and Prevention (2007). *Suicide prevention*.

Coster, Stacy, D. & Zito, Rena, C. (2010). "Gender and General Strain Theory: The Gendering of Emotional Experiences and Expressions", *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol,26.No.2: 224-245.

Dirks, Aprill, B. (2007). Suicidal ideation among maltreated adolescents: an application of strain theory.(Ph.D Thesis).The University of Iowa.

Esposito, C., & Clum, G. (2003). "The relative contribution of diagnostic and psychosocial factors in the prediction of adolescent suicidal ideation", *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, Vol. 32: 386-395.

Fiume, Timothy, M. (2003). Testing strain, control, and differential association theories of juvenile delinquency, (PH.D Thesis).The Pennsylvania State University.

Francis, A. Kimberly (2007). Gender Differences in Delinquency and Health Risk Behaviors: A Test of General Strain Theory (Ph.D Thesis). The University of Texas at Austin.

Freedenthal, Stacy and Arlene R. Stiffman (2004). "Suicidal Behavior in Urban American Indian Adolescents: A Comparison with Reservation Youth in a Southwestern State", *Suicide and Life Threatening Behavior*, Vol, 34. No, 2:160-171.

Gallupe, Owen (2006). Relational Strain, Gender, Anger and Delinquency among Street Youth. (M.A Thesis). Queens University Kingston, Ontario, Canada.

Groeger, U., Tomori, M., & Kocmur, M. (2003). "Suicidal ideation in adolescence an indicator of actual risk", *Israel Journal of Psychiatry and Related Sciences*, Vol. 40: 202-208.

Grossman, David. C., Carol Milligan and Richard A. Deyo (1991). "Risk Factors for Suicide Attempts among Navajo Adolescents", *American Journal of Public Health*, Vol, 81.No, 7:869-874.

Hay, Carter & Meldrum, Ryan (2010). "Bullying Victimization and Adolescent Self-Harm: Testing Hypotheses from General Strain Theory", *Journal of Youth Adolescence*,Vol. 39:446-459.

Hirsch, K. Jameson & Kenneth, R. Conner & Duberstein, R. Paul. (2007). "Optimism and Suicide Ideation among Young Adult College Students", *Archives of Suicide Research*, Vol.11, No. 2:177-185.

Hoyert, D.L., K.D. Kochanek and S.L. Murphy (1999). "Deaths: final data for 1997. National Center for Health Statistics", *Monthly Vital Statistical Report*, Vol. 47, No. 19:1-108.

Jang, S. J., & Johnson, B. (2003). "Strain, negative emotions, and deviant coping among African Americans: A test of general strain theory", *Journal of Quantitative Criminology*, Vol.19, No.1: 79-105.

Johnson, T. and H. Tomren (1999). "Helplessness, Hopelessness", and Despair: Identifying the Precursors to Indian Youth Suicide. *American Indian Culture and Research Journal*, Vol. 23, No.3: 287-301.

Kaufman, M. Joanne (2009). "Gendered Responses to Serious Strain: The Argument for a General Strain Theory", *Justice Quarterly*, Vol. 26, No. 3: 410-444.

Kisch, J., Leino, E. V., & Silverman, M. M. (2005). "Aspects of suicidal behavior, depression and treatment in college students: Results from the spring 2000 National College Health Assessment Survey", *Suicide and Life-Threatening Behavior*, Vol.35, No.1: 3-13.

Konick, Lisa.C & Gutierrez. Peter, M. (2005). "Testing a Model of Suicide Ideation in College Student", *Suicide and Life-Threatening Behavior*, Vol.35, No.2:181-192.

LeMaster, Pamela, Janette Beals, Douglas Novins and Spero Manson (2004). "The Prevalence of Suicidal Behaviors among Northern Plains American Indians", *Suicide and Life Threatening Behavior*, Vol. 34, No. 3:242-255.

Marcenko, M., Fishman, G., & Friedman, J. (1999). "Reexamining adolescent suicidal ideation: A developmental perspective applied to a diverse population", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol, 28:121-138.

Maris, R. (1969). *Social Forces in Urban Suicide*. Dorsey press, Homewood, Illinois.

May, Philip. (1987). "Suicide and Self-Destructions among American Indian Youths", *American Indian and Alaska Native Mental Health Research*. Vol.1, No. 1:52-69.

McGivern, Michaela (2010). *The Impact of Cognitive Coping on the Strain- Delinquency Relationship: a Test of General Strain*

Theory. The University of Iowa (M.A Thesis). The University of Iowa Iowa City, Iowa.

Moon, Byongook & Blurtonand, David & McCluskey, D. J. (2007). "Focusing on the Influences of Key Strain Characteristics on Delinquency General Strain Theory and Delinquency", *Crime & Delinquency*, Vol. 54 ,No,4: 582-613.

National Center for Injury Prevention and Control [NCIPC]. (2006). *Leading causes of death and fatal injuries: mortality reports* [Online Database]. Atlanta, GA: Centers for Disease Control and Prevention.

Patchin, Justin, W. & Hinduja, Sameer. (2010). "Traditional and Nottraditional Bullying Among Youth: A Test of General Strain Theory", *Youth & Society*, Vol, 43.No, 2: 727-751.

Peck, H. Jennifer (2011) . *General Strain Theory, Race, and Delinquency*. (M.A Thesis). University of South Florida.

Prinsten, M., Boergers, J., Spirto, A, Little, T. & Grapentine, W. (2000). "Peer functioning, Family dysfunction, and psychological symptoms in a risk factor model for adolescent inpatients suicidal ideation severity", *Journal of Clinical Child Psychology*, Vol. 29, No. 3:392-405.

Purser, Christopher, Wayne. (2010). *The conditioning effects of religiosity on the relationship between strain, negative emotions, and delinquency: a longitudinal assessment of general strain theory* (PH.D Thesis). Mississippi State University.

Robertson, Angela, R. & Stein, Judith, A. & Rohleder, Lacey Sh. (2010). "Effects of Hurricane Katrina and Other Adverse Life Events on Adolescent Female Offenders: A Test of General Strain Theory", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 47, No, 4:469-495.

Rodham, K., Hawton, K., & Evans, E. (2005). "Deliberate self-harm in adolescents: the importance of gender", *Psychiatric Time*, Vol. 22, No.1: 36-41.

Schwartz, A. J. (2006). "College student suicide in the United States: 1990–1991 Through 2003–2004", *Journal of American College Health*, Vol. 54, No. 6: 341–352.

Shaffer, D. (1993). "Suicide: Risk Factors and public health. American", *Journal of Public Health*, Vol. 83, No. 2:171-173.

Siegel, Larry and Sienna, Joseph (1997). *Juvenile Delinquency*, Six Edition, West Publishing Company.

Sigfusdottir, Inga Dora & Asgeirsdottir, Bryndis Bjork & Gudjonsson, H. Gisli & Sigurdsson, Jon Fridrik (2008). "A Model of Sexual Abuse's Effect on Suicidal Behavior and Delinquency: The Role of Emotions as Mediating Factors", *Journal of Youth Adolescence*, Vol. 37, 699-712.

Stack, Steven & Ira, Wasserman (2007). "Economic Strain and Suicide Risk: A qualitative Analysis", *Suicide & Life-Threatening Behavior*, Vol. 37, No.1:103-112.

Stewart M, Donagheyb C, Dearyc I, Ebmeier P. (2007). "Suicidal thoughts in young people: Their frequency and relationships with personality factors", *Pers Individ Dif*. Vol, 44:809-20.

Su, Xiaoli & Simons, Ronald L. Leslie G. Simons (2011). "Inter-parental Aggression and Antisocial Behavior among African American Youth: A Simultaneous Test of Competing Explanations", *Journal of Youth Adolescence*, Vol.40: 1489–1502.

Swagar, Nicolas, A. (2011). *Childhood Abuse, Criminal Victimization, Sex Work, and Substance Use among Homeless Street Youth: An Application of General Strain Theory*. (M.A Thesis). Queen's University.

Vegh, Deborah.T (2011). *College Students and the illicit use of prescription drugs: a test of general strain theory*.(Ph.D Thesis), Northesatern University.

Wallack Cory (2007). *Factors Associated With Suicidal Ideatin Among American College Student: A re-examinatin of the Escape Theoy of Suicide*. (P h.D Thesis).University of florida.

Walls, L., Melissa & Chapple, L. Constance & Johnson, D. Kurt (2007). "Strain, emotion and suicide among Americian Indian youth", *Deviant Behavior*, Vol. 28, No. 3: 219-246.

Wareham, J. Jennifer (2005). *Strain,Personality Tratits, and Deviance among Adolescents: Modeling Factors*.(P h.D Thesis). University of South Florida.

Watt, T. Terling & Sharp, F. Susan (2001). "Gender Differences in Strains Associated with Suicidal Behavior Among Adolescents", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 30, No. 3: 333-348.

Wililiams, Dennis (2008). *Gender and General Strain Theory in A Sample of College Student* (PhD.Thesis). University of Oklahoma.

Wong, Y. J., Brownson, C., & Schwing, A. E. (2011). "Risk and protective factors associated with Asian American students' suicidal ideation: A multi-campus, national study", *Journal of College Student Development*, Vol. 52, No.4: 396-408.

Youth suicide, Retrieved January 14, 2008, from <http://www.cdc.gov/ncipc/dvp/Suicide/youthsuicide.htm>.

Zhang, Jie & lester, David (2008). "Psychological Tensions Found in Suicide Notes: A Test for the Strain Theory of Suicide", *Archives of Suicide Research*, Vol. 12, No.1 :67-73.

Zhang, Jie & wieczorek, F. William & Conwell ,Yeates, Ming Tu,Xin (2011). "Psychological Strains and youth suicide in rural China", *Social Science & Medicine*, Vol. 72, 2003-2010.